

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکه‌ای - شماره یک

آزمایش حقیقت کنونی

Jeff Pippenger

2025-12-02

در کتاب مقدس چیزهایی هست که فهمشان دشوار است و به گفته پطرس، ناآموختگان و بی‌ثباتان آن‌ها را به هلاکت خویش تحریف می‌کنند. شاید در این زندگی نتوانیم معنای هر بخش کتاب مقدس را توضیح دهیم؛ اما هیچ نکته حیاتی از حقیقت عملی در هاله‌ای از راز و ابهام پوشیده نخواهد ماند. هنگامی که در مشیت خدا زمان آن فرا رسد که جهان بر حقیقت مناسب همان زمان آزموده شود، ذهن‌ها به وسیله روح او برانگیخته خواهند شد تا کتاب مقدس را بچینند، حتی با روزه و دعا، تا آن‌که حلقه پس از حلقه کشف شود و در زنجیره‌ای کامل به هم پیوند خورد. هر حقیقتی که مستقیماً به نجات جان‌ها مربوط می‌شود چنان روشن خواهد شد که هیچ‌کس ناگزیر نباشد به خطا رود یا در تاریکی گام بردارد.

چنان‌که رشته نبوت را دنبال کرده‌ایم، حقیقت مکشوف برای زمانه ما به روشنی دیده و تبیین شده است. ما در برابر امتیازهایی که از آنها بهره‌مندیم و نوری که بر راه ما می‌تابد مسئولیم. کسانی که در نسل‌های گذشته می‌زیستند، در برابر نوری که اجازه یافته بود بر آنان بتابد مسئول بودند. اندیشه‌هایشان درباره نکات گوناگون کتاب مقدس که آنان را می‌آزمود، به چالش کشیده می‌شد. اما آنان حقایقی را که ما درک می‌کنیم درک نمی‌کردند. آنان در برابر نوری که نداشتند مسئول نبودند. آنان نیز همچون ما کتاب مقدس را داشتند؛ اما زمان آشکار شدن حقیقتی ویژه در پیوند با صحنه‌های پایانی تاریخ این زمین، در دوران آخرین نسل‌هایی است که بر زمین زندگی خواهند کرد.

«حقایق ویژه متناسب با شرایط نسل‌ها در دوران‌های خود سازگار شده‌اند. حقیقت حاضر که آزمونی برای مردم این نسل است، برای مردم نسل‌های گذشته دور آزمون نبود. اگر نوری که اکنون درباره سبت فرمان چهارم بر ما می‌تابد به نسل‌های گذشته داده شده بود، خدا آنان را به خاطر آن نور مسئول می‌دانست.» گواهی‌ها، جلد ۲، ۶۹۲، ۶۹۳.

جدید و قدیم

در هر عصر، بسطی تازه از حقیقت پدید می‌آید؛ پیامی از جانب خدا برای مردم آن نسل. حقایق کهن همگی اساسی‌اند؛ حقیقت نو مستقل از آن‌ها نیست، بلکه گشایش همان است. تنها آنگاه که حقایق کهن فهمیده شوند می‌توانیم نو را دریابیم. وقتی مسیح خواست حقیقت رستاخیز خود را بر شاگردانش بگشاید، از «موسی و همه پیامبران» آغاز کرد و «در همه کتب، درباره آنچه به خود او مربوط می‌شد برایشان شرح داد.» لوقا ۲۴:۲۷. اما نوری که در گشایش تازه حقیقت می‌درخشد، همان است که کهن را جلال می‌بخشد. کسی که نو را رد کند یا به آن بی‌اعتنا باشد، در حقیقت کهن را نیز واقعاً در اختیار ندارد. برای او، آن نیروی حیاتی خود را از دست می‌دهد و جز صورتی بی‌جان باقی نمی‌ماند.

کسانی هستند که مدعی‌اند به حقایق عهد عتیق ایمان دارند و آنها را تعلیم می‌دهند، در حالی که عهد جدید را رد می‌کنند. اما با نپذیرفتن تعالیم مسیح نشان می‌دهند که به آنچه پدران قوم و پیامبران گفته‌اند ایمان ندارند. «اگر به موسی ایمان داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید؛ زیرا او درباره من نوشته است.» یوحنا ۵:۴۶. از این رو حتی در تعلیم آنان از عهد عتیق نیز قوت حقیقی‌ای

نیست.

بسیاری از کسانی که مدعی ایمان داشتن و تعلیم دادن انجیل‌اند، دچار خطایی مشابه‌اند. آنان کتاب‌های مقدس عهد عتیق را کنار می‌گذارند؛ همان‌ها که مسیح درباره‌شان فرمود: «اینها هستند که درباره من شهادت می‌دهند.» یوحنا ۵:۳۹. با رد کردن عهد عتیق، عملاً عهد جدید را نیز رد می‌کنند؛ زیرا هر دو جزئی از یک کل جدایی‌ناپذیرند. هیچ‌کس نمی‌تواند شریعت خدا را بدون انجیل، یا انجیل را بدون شریعت، به درستی ارائه کند. شریعت، انجیل مجسم است و انجیل، شریعت مکشوف. شریعت ریشه است و انجیل، شکوفه و میوه خوشبویی است که از آن برمی‌آید.

«عهد عتیق بر عهد جدید نور می‌افکند و عهد جدید نیز بر عهد عتیق نور می‌افکند. هر یک مکاشفه‌ای از جلال خدا در مسیح است. هر دو حقایقی را عرضه می‌کنند که پیوسته ژرف‌های تازه‌ای از معنا را بر جوینده مشتاق آشکار می‌کنند.» درس‌های تمثیلی مسیح، ۱۲۸.

«حقیقت حاضر» بنا بر تعریف همان «حقیقت مکشوف» برای دوره‌ای زمانی مشخص است که به روشنی دیده و تبیین می‌شود. نسلی که در زمانی زندگی می‌کند که «حقیقت حاضر» آشکار می‌شود، «پاسخگو» شمرده می‌شود: یا آن حقیقت را بپذیرد یا بمیرد. حقایق ترکیب‌شده‌ای که «حقیقت آزمون‌گر حاضر» را برای «این نسل» می‌سازند، در «گشایش حقایق ویژه» در ارتباط با صحنه‌های پایانی تاریخ این زمین «متجلی‌اند. حقیقت - و بنابراین «حقیقت حاضر» - به صورت نمونه‌شناختی در نسبت عهد جدید با عهد عتیق فهمیده می‌شود. حقیقت بر دو شاهد استوار است و حقیقت آغاز و انجامی دارد: لفظی و روحانی، کهن و نوین، آلفا و امگا، نخستین و آخرین.

بنیاد میلریتی پیام فرشته اول در ارتباط با پیام «حقیقت حاضر» فرشته سوم، «قدیم» است. کسانی که «قدیم» را رد می‌کنند، عملاً «جدید» را نیز رد می‌کنند، زیرا هر دو اجزای یک کل جدایی‌ناپذیرند.

من دیدم که لازم است پیام‌آوران، به ویژه، مراقب باشند و هر جا که دیدند افراط‌گرایی سر برمی‌آورد، آن را مهار کنند. شیطان از هر سو فشار می‌آورد، و اگر مراقب او نباشیم و چشمانمان بر نیرنگ‌ها و دام‌های گشوده نباشد و زره کامل خدا را بر تن نداشته باشیم، تیرهای آتشین شریک ما را خواهند زد. حقایق گران‌بهای بسیاری در کلام خدا نهفته است، اما آنچه گله اکنون نیاز دارد «حقیقت حاضر» است. من خطر آن را دیده‌ام که پیام‌آوران از نکات مهم حقیقت حاضر منحرف شوند و به موضوعاتی بپردازند که برای یکپارچه ساختن گله و تقدیس جان سودمند نیستند. شیطان در اینجا از هر فرصت ممکن بهره خواهد گرفت تا به این امر آسیب برساند.

اما موضوعاتی همچون قدس، در ارتباط با دو هزار و سیصد روز، و نیز احکام خدا و ایمان عیسی، به خوبی می‌توانند جنبش گذشته انتظار آمدن مسیح را توضیح دهند، جایگاه کنونی ما را نشان دهند، ایمان مرددان را استوار سازند و نسبت به آینده پرچالال یقین ببخشند. من بارها دیده‌ام که این‌ها موضوعات اصلی‌ای بودند که پیام‌آوران باید به آن‌ها بپردازند. نوشته‌های نخستین، 63.

«قدسگاه، در ارتباط با ۲۳۰۰ روز، احکام خدا و ایمان عیسی» کلید تبیین «جنبش ادونت گذشته» میلری‌ها هستند و بدین‌سان «کاملاً» توضیح می‌دهند که «موضع کنونی ما چیست». کسانی که درباره «جنبش ادونت گذشته» «تردید» می‌کنند، درباره آنچه به «آینده باشکوه» «قطعیت» می‌بخشد نیز «تردید» می‌کنند. آنچه به آینده قطعیت می‌بخشد، گذشته است.

کتاب یوئیل پیامی از حقیقت امتحان‌کننده زمان حاضر است. این موضوع با شهادت‌های متعدد تأیید می‌شود. یوئیل از سوی «روح نبوت» به عنوان «حقیقت زمان حاضر» معرفی شده است؛ همان که طبق گفته یوحنا در کتاب مکاشفه، «شهادت عیسی» است.

مکاشفه عیسی مسیح، که خدا به او داد تا به بندگانش چیزهایی را که باید به زودی رخ دهند نشان دهد؛ و آن را به وسیله فرشته خود به بندهاش یوحنا فرستاد و اعلام کرد: او که درباره کلام خدا و شهادت عیسی مسیح و هر آنچه دید شهادت داد. مکاشفه ۱:۱، ۲.

«شهادت» یوحنا (که از آن «گواهی داد») در سه بخش بیان شد. او «کلام خدا»، «شهادت عیسی» و «آنچه دید» را ثبت کرد. در دو آیه نخست کتاب مکاشفه، یوحنا نمایانگر کسی است که موهبت «روح نبوت» به او داده شده است. این موهبت شامل مکاشفه‌ای ویژه از کلام خداست، و همچنین شامل مکاشفات ویژه‌ای است که از طریق سخنان مسیح به پیامبر منتقل می‌شود؛ یا مستقیماً به وسیله خود مسیح یا از طریق فرشتگان او؛ و این موهبت همچنین حقیقتی را دربر می‌گیرد که از راه خواب‌ها و رؤیایها عرضه می‌شود. روح نبوت، شهادت مسیح است که به پیامبر منتقل می‌شود و همان اقتداری را دارد که گویی فرشته‌ای یا خود مسیح آن سخنان را گفته باشد.

و به پاهایش افتادم تا او را پرستش کنم. اما او به من گفت: مبادا چنین کنی! من نیز چون تو بنده‌ام و از برادرانت هستم که شهادت عیسی را دارند. خدا را پرستش کن، زیرا شهادت عیسی روح نبوت است. مکاشفه ۱۹:۱۰.

جبرئیل بیان می‌کند که او با یوحنا همخدمت است و نباید پرستیده شود. همچنین بیان می‌کند که «برادرانی» که یوحنا نماینده آنان است «شهادت عیسی» را دارند، که همان «روح نبوت» است. «برادرانی» که یوحنا نمایندگی می‌کند صد و چهل و چهار هزار نفر هستند، و همه آن برادران «روح نبوت» را دارند.

و بامدادان برخاستند و رهسپار بیابان تقوع شدند؛ و چون به راه افتادند، یهوشافاط ایستاد و گفت: ای یهودا و ای ساکنان اورشلیم، سخن مرا بشنوید؛ به خداوند، خدای خود، ایمان آورید تا استوار شوید؛ به پیامبران او ایمان آورید تا کامیاب شوید. دوم تواریخ ۳۰:۲۰.

'به خداوند خدای خود ایمان آورید تا استوار شوید؛ به پیامبران او ایمان آورید تا کامیاب شوید.'

اشعیا ۸:۲۰. «به شریعت و به شهادت؛ اگر مطابق این کلام سخن نگویند، از آن روست که در آنان نوری نیست.» دو متن در اینجا پیش روی قوم خدا قرار داده شده‌اند: دو شرط برای موفقیت. شریعتی که خود یهوه فرموده است و روح نبوت، دو سرچشمه حکمت‌اند تا قوم او را در هر تجربه‌ای هدایت کنند. تثنیه ۴:۶. «این حکمت و فهم شما در نظر امت‌هاست که خواهند گفت: یقیناً این قوم عظیم، قومی حکیم و فهیم است.»

شریعت خدا و روح نبوت دست در دست هم برای راهنمایی و مشورت دادن به کلیسا عمل می‌کنند، و هرگاه کلیسا با اطاعت از شریعت او این را به رسمیت شناخته است، روح نبوت فرستاده شده است تا او را در راه حقیقت هدایت کند.

مکاشفه ۱۳:۱۷. «و اژدها بر زن خشمگین شد و رفت تا با بازماندگان نسل او، که احکام خدا را نگاه می‌دارند و شهادت عیسی مسیح را دارند، جنگ کند.» این نبوت به روشنی نشان می‌دهد که کلیسای بازمانده، خدا را در شریعت او به رسمیت خواهد شناخت و از عطیه نبوت برخوردار خواهد بود. اطاعت از شریعت خدا و روح نبوت همواره قوم حقیقی خدا را متمایز کرده‌اند و آزمون معمولاً بر جلوه‌های کنونی انجام می‌گیرد.

در روزگار ارمیا، مردم درباره پیام موسی، ایلیا یا الیشع هیچ تردیدی نداشتند، اما پیام فرستاده خدا برای ارمیا را زیر سؤال بردند و کنار گذاشتند تا آنکه قوت و قدرتش از میان رفت و چاره‌ای نماند جز اینکه خدا آنان را به اسارت ببرد.

به همین‌سان در روزگار مسیح، مردم دریافته بودند که پیام ارمیا درست بود، و خود را قانع کرده بودند که اگر در روزگار پدرانشان می‌زیستند، پیام او را می‌پذیرفتند، اما در همان حال پیام مسیح را که همه پیامبران درباره او نوشته بودند، رد می‌کردند.

هنگامی که پیام فرشته سوم در جهان سربرآورد، که هدفش آشکار ساختن شریعت خدا برای کلیسا با تمامیت و قدرت آن است، عطیه نبوت نیز بی‌درنگ احیا شد. این عطیه نقشی بسیار برجسته در رشد و پیشبرد این پیام ایفا کرده است.

«هرگاه در خصوص تفسیر کتب مقدس و روش‌های کار اختلاف‌نظرهایی پدید آمده که می‌تواند ایمان مؤمنان به پیام را متزلزل سازد و به تفرقه در کار بینجامد، روح نبوت همواره بر وضعیت نور افکنده است. همواره یگانگی اندیشه و هماهنگی عمل را در میان جماعت مؤمنان به ارمغان آورده است. در هر بحرانی که در روند پیشرفت پیام و رشد کار پدید آمده، آنان که استوار بر شریعت خدا و نور روح نبوت ایستاده‌اند، پیروز شده‌اند و کار در دستشان رونق یافته است.»
پیام‌های لوما لیندا، ۳۳، ۳۴.

کتاب یوئیل در «روح نبوت» به‌طور مستقیم به‌عنوان «حقیقت زمان حاضر» شناخته می‌شود؛ روح نبوت، بنا بر گفته یوحنا در کتاب مکاشفه، همان شهادت عیسی است. این امر همچنین در خود کلام خدا به‌طور مستقیم تأیید می‌شود. هم کتاب مقدس و هم روح نبوت، کتاب یوئیل را مستقیماً بر روزهای آخر تطبیق می‌دهند.

هر یک از پیامبران قدیم کمتر برای زمان خود و بیشتر برای زمان ما سخن گفتند؛ از این رو پیشگویی‌هایشان نسبت به ما نیز جاری و نافذ است. «اکنون این همه برای ایشان به‌عنوان نمونه رخ داد، و برای اندرز ما نوشته شد؛ بر ما که پایان‌های جهان فرا رسیده است.» اول قرن‌تین ۱:۱۰.
«نه برای خودشان، بلکه برای ما خدمت می‌کردند، در خصوص آن چیزهایی که اکنون به‌وسیله کسانی که با روح‌القدس فرستاده از آسمان به شما بشارت داده‌اند، به شما اعلام شده است؛ چیزهایی که فرشتگان نیز مشتاق‌اند در آن‌ها نظر کنند.» اول پطرس ۱:۱۲ ...

کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یکجا گرد آورده است. همه رویدادهای بزرگ و وقایع خطیر تاریخ عهد عتیق در این روزهای واپسین در کلیسا خود را تکرار کرده‌اند و می‌کنند. پیام‌های برگزیده، جلد ۳، ۳۳۸، ۳۳۹.

نبوت یوئیل «نافذ» «بر» آنان است «که پایان‌های جهان بر ایشان فرارسیده است.» «نافذ» صرفاً تأکید می‌کند که «حقیقت حاضر» همواره آزمونی است، و کسانی که در این آزمون مردود می‌شوند نماینده‌شان در کتاب مقدس شخصیت‌هایی چون یهوداست.

درس پشت درس به گوش یهودا می‌رسید و به هیچ گرفته می‌شد. چه بسیارند کسانی که امروز در گام‌های او قدم می‌نهند. در پرتو شریعت خدا، مردمان خودخواه خصلت‌های پلید خود را می‌بینند، اما از انجام اصلاح لازم بازمی‌مانند و از حالی از گناه به حالی دیگر می‌روند.

«آموزه‌های مسیح برای زمان و نسل خود ما کاربردی‌اند. او گفت: «نه تنها برای اینان دعا می‌کنم، بلکه برای آنانی نیز که به‌واسطه کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد.» همان شهادتی که برای یهودا آورده شد، در این ایام آخر به ما نیز رسانده می‌شود. همان درس‌هایی که او نتوانست در زندگی‌اش به کار بندد، به کسانی می‌رسد که می‌شنوند، اما آنان نیز به‌گونه‌ای مشابه ناکام می‌مانند، زیرا گناه خود را کنار نمی‌گذارند.» ریویو اند هرالد، 17 مارس 1891.

یوحنا در سراسر کتاب مکاشفه نماد قوم خدا در ایام آخر است و با تبعیدش به پطمس، نماینده کسانی است که در بحران قانون یکشنبه جفا می‌بینند. او علت زندانی شدنش را بیان می‌کند.

من، یوحنا، که نیز برادر شما و همراه در تنگی و در پادشاهی و شکیبایی عیسی مسیح هستم، به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادت عیسی مسیح در جزیره‌ای که پطرس نامیده می‌شود بودم. مکاشفه یوحنا ۹:۱.

یوحنا به خاطر کتاب مقدس و روح نبوت مورد آزار قرار گرفت. چرا آن صد و چهل و چهار هزار به خاطر روح نبوت مورد آزار قرار می‌گیرند؟ نخستین حقیقتی که پیامبر یوئیل بر آن انگشت می‌گذارد، ارتداد کلیسای ادونتیست روز هفتم است. وقتی رسول پطرس اعلام کرد که عید پنجاهه تحقق کتاب یوئیل است، این را در پاسخ به انتقاد یهودیان از ظهور «زبان‌ها» بیان کرد. یهودیان، که در آن هنگام نمونه‌ای از ادونتیست‌های روز هفتم در روزهای آخر بودند، ادعا می‌کردند که پطرس و کسانی که پیام را اعلام می‌کردند «مست» هستند. ادونتیست‌های روز هفتم، همچون یهودیان زمان پطرس، با پیام باران پسین مخالفت خواهند کرد. این کار را می‌کنند، زیرا کسانی که پیام آزمایشی «حقیقت حاضر» باران پسین را اعلام می‌کنند، «حقایق کهن» بنیادین را دارند؛ زیرا حقیقت نو همواره بر حقیقت کهن بنا می‌شود. ارمیا قوم خدا را فراخواند که در زمان باران پسین در راه‌های کهن گام بردارند و به صدای شیپور دیده‌بان گوش فرا دهند، اما آنان امتناع می‌ورزند. پیام حقیقت «کهن» بنیادین به صورت نمادین با «هفت بار» لایوان فصل بیست‌وشش نمایانده شده است، که در آن رابطه عهد از منظر سبت زمین تبیین می‌شود.

دیدم که کلیسای اسمی و ادونتیست‌های اسمی، مانند یهودا، برای به دست آوردن نفوذ کاتولیک‌ها جهت مخالفت با حقیقت، به ما خیانت کرده و ما را به کاتولیک‌ها تسلیم خواهند کرد. آنگاه قدیسان قومی گمنام خواهند بود و نزد کاتولیک‌ها چندان شناخته شده نخواهند بود؛ اما کلیساها و ادونتیست‌های اسمی که از ایمان و رسوم ما آگاه‌اند (زیرا به خاطر سبت از ما نفرت داشتند، چون نمی‌توانستند آن را رد کنند) به قدیسان خیانت کرده و آنان را به کاتولیک‌ها گزارش خواهند داد، به عنوان کسانی که سنن مردم را نادیده می‌گیرند؛ یعنی سبت را رعایت می‌کنند و یکشنبه را نادیده می‌گیرند.

آنگاه کاتولیک‌ها به پروتستان‌ها فرمان می‌دهند که پیش بروند و فرمانی صادر کنند که همه کسانی که روز نخست هفته را، به جای روز هفتم، نگاه نمی‌دارند، کشته شوند. و کاتولیک‌ها که شمارشان بسیار است، در کنار پروتستان‌ها خواهند ایستاد. کاتولیک‌ها قدرت خود را به تمثال وحش خواهند داد. و پروتستان‌ها همان‌گونه که مادرشان پیش از آنان عمل کرد، برای نابود کردن مقدسان عمل خواهند کرد. اما پیش از آن که فرمانشان ثمر آورد یا به بار بنشیند، مقدسان به صوت خدا رهایی خواهند یافت. اسپالدینگ و مگن، ۱، ۲.

دو بار خواهر وایت «کلیسای اسمی» و «ادونتیست‌های اسمی» را شناسایی می‌کند و در عین حال میان این دو «گروه اسمی» و «کاتولیک‌ها» تمایز قائل می‌شود. «کلیسای اسمی» و «ادونتیست‌های اسمی» نسبت به کسانی که پطرس و یوحنا نماینده آنان بودند «نفرت» داشتند، «به خاطر سبت، زیرا نمی‌توانستند آن را رد کنند». کلیسای اسمی و کاتولیک‌ها نمی‌توانند حقیقت سبت روز هفتم را «رد» کنند، و «ادونتیست‌های اسمی» نمی‌توانند «هفت بار» لایوان باب بیست‌وشش را که حکم سبت زمین است «رد» کنند. کلیسای اسمی و کاتولیک‌ها نمی‌توانند این واقعیت را «رد» کنند که سبت روز هفتم یک حقیقت کتاب مقدسی «بنیادین» است، و «ادونتیست‌های اسمی» نمی‌توانند این واقعیت را «رد» کنند که «هفت بار» لایوان باب بیست‌وشش یک حقیقت «بنیادین» میلری است.

اسارت یوحنا در پطرس نمایانگر صد و چهل و چهار هزار نفری است که هم کتاب مقدس و هم روح نبوت را پاس می‌دارند و به‌ویژه از بیرون بر سر سبت روز هفتم و از درون بر سر سبت سال هفتم برای زمین مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. از این رو، شهادت یوحنا در آیه نهم درباره اینکه چرا آزار می‌دید، با سبت آیه دهم و پیام از گذشته («از پشت سر») از «صدای عظیم» همچون «شیپور» دنبال

می‌شود.

من، یوحنا، که برادر شما نیز هستم و همراه شما در مصیبت و در پادشاهی و شکیبایی عیسی مسیح، در جزیره‌ای که پاتموس نامیده می‌شود بودم، به خاطر کلام خدا و به خاطر شهادت عیسی مسیح. در روز خداوند در روح بوم و پشت سر خود صدایی عظیم، چون صدای شیپور، شنیدم. مکاشفه ۱:۹، ۱۰.

یوحنا نماینده کسانی است که در یازدهم سپتامبر صدای شیپورمانند فرشته باب هجده مکاشفه را شنیدند که قوم خدا را به بازگشت به «راه‌های کهن» ارمیا فرا می‌خواند. آن صدای عظیم همچنین هشدار شیپور هفتم بود که همان وای سوم نیز هست.

خواهر وایت ثبت کرده است که "کتاب مقدس گنجینه‌های خود را برای این نسل آخر انباشته و یک‌جا در هم بسته است." کتاب یوئیل یکی از "گنجینه‌های" کتاب مقدس است که در "ایام آخر" حقیقت حاضر به شمار می‌آید. در زمان پنطیکاست، پطرس اعلام کرد که همان هنگام کتاب یوئیل در حال تحقق بود. پطرس نیز، همچون یوئیل، "کمتر برای" دوره پنطیکاست سخن گفت تا برای "زمان" ما. دوره پنطیکاست باران نخستین برای دوران مسیحیت بود. پنطیکاست آغاز دوران مسیحیت را نشان می‌دهد و بدین‌سان پایان این دوران را نیز تصویر می‌کند. پایان دوران مسیحیت زمان باران آخر است که پنطیکاست نماد آن است. از این رو پطرس نماد قوم خدا در پایان دوران مسیحیت است که با به‌کارگیری کتاب یوئیل، تحقق افاضه روح القدس را شناسایی می‌کنند.

اما پطرس با آن یازده برخاست، آواز خود را بلند کرد و به آنان گفت: ای مردان یهودیه و همه شما که در اورشلیم ساکنید، این را بدانید و به سخنان من گوش دهید: زیرا اینان مست نیستند، چنان‌که می‌پندارید، زیرا هنوز تنها ساعت سوم روز است. بلکه این همان است که به وسیله پیامبر یوئیل گفته شد: و در روزهای آخر چنین خواهد شد، خدا می‌گوید: از روح خود بر هر بشر فرو خواهم ریخت؛ و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، و جوانان شما رؤیاها خواهند دید، و پیران شما خواب‌ها خواهند دید؛ و بر غلامان و کنیزان خود نیز در آن روزها از روح خود فرو خواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند کرد. و در آسمان بالا عجایب و در زمین پایین آیات ظاهر خواهم کرد؛ خون و آتش و بخار دود. خورشید به تاریکی مبدل خواهد شد و ماه به خون، پیش از آن‌که آن روز بزرگ و مشهور خداوند فرا رسد. و چنین خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند، نجات خواهد یافت. اعمال رسولان ۲:۱۴-۲۱.

موفقیت در شاگردی نبوت مستلزم درکی راسخ است مبنی بر اینکه پایان جهان در روایت تاریخی کتاب مقدس به صورت «خط بر خط» به تصویر کشیده شده است. مرتبط با این حقیقت آن است که خود پیامبران نماینده قوم خدا در روزهای آخر هستند. یوئیل کتاب خود را در روزهای آخر جای می‌دهد، زیرا از نزدیک شدن «روز خداوند» خبر می‌دهد.

در صهیون کرنا بنوازید و در کوه مقدس من بانگ هشدار دهید؛ تمامی ساکنان زمین بلرزند، زیرا روز خداوند می‌آید، زیرا نزدیک است. یوئیل ۲:۱

«شیپور» به عنوان نماد، در کنار معانی دیگر، نشان‌دهنده پیام هشدار است. به عنوان نماد، شیپور می‌تواند نمایانگر یک دوره زمانی یا یک نقطه زمانی باشد، یا هر دو، بسته به زمینه. شیپور همچنین نماد داوری است. جشن شیپورها، ده روز پیش از روز کفاره، هشدار از نزدیک بودن داوری بود.

«روز خداوند» بسته به زمینه بخشی که در آن به کار می‌رود، یا نمایانگر یک لحظه زمانی است یا یک دوره زمانی. «روز خداوند» می‌تواند نمادی از داوری اجرایی باشد که به صورت هفت بلای آخر نمایان می‌شود، یا می‌تواند همان داوری اجرایی در پایان دوره هزارساله باشد. در هر دو حالت، شیپور

نشان دهندهٔ داوری اجرایی خداست. بنابراین، «روز خداوند» می‌تواند نمایانگر لحظه‌ای باشد که مجازاتِ خدا اجرا می‌شود، یا دورهٔ زمانی‌ای که مجازات‌های خدا در آن اجرا می‌شوند.

«شیپور» همچون «روز خداوند» می‌تواند هم نشان‌دهندهٔ یک نقطهٔ زمانی و هم یک دورهٔ زمانی باشد؛ چنان‌که در نقاط و دوره‌های تاریخی‌ای که هفت شیپور مکاشفهٔ باب‌های ۸ و ۹ نشان می‌دهند، دیده می‌شود. «روز خداوند»ی که یوئیل با «شیپور»ی که باید دمیده شود نمایانده است، هم یک نقطهٔ زمانی است و هم دوره‌ای زمانی که از زمانی آغاز می‌شود که داوری مردگان پایان یافت و داوری زندگان آغاز شد. در ۱۱ سپتامبر، شیپوری دمیده شد که رسیدن داوری زندگان را به‌عنوان یک نقطهٔ زمانی مشخص کرد و همچنین ۱۱ سپتامبر را به‌عنوان آغاز دورهٔ داوری زندگان نشانه‌گذاری کرد.

پس اکنون نیز، خداوند می‌گوید: با همهٔ دل به سوی من بازگردید، با روزه و با گریه و با ماتم؛ و دل‌های خود را بدرانید، نه جامه‌های خود را، و به سوی خداوند خدای خود بازگردید؛ زیرا او فیاض و رحیم است، دیرخشم و سرشار از مهربانی، و از شر بازمی‌گردد. چه کسی می‌داند؟ شاید بازگردد و پشیمان شود و در پی خود برکتی بر جا گذارد، یعنی قربانی آردی و قربانی نوشیدنی برای خداوند خدای شما. در صهیون شیپور بنوازید، روزه‌ای مقدس اعلام کنید، مجمعی مقدس فراخوانید. یوئیل ۱۲:۱۵-۱۷.

این دومین بار است که یوئیل فرمان می‌دهد شیپور نواخته شود. «شیپورها» در یوئیل هم هشدار نسبت به نزدیک‌شدن داوری اجرایی هفت بلای آخر هستند، و هم در زمینه دعوتِ لاودیکیه‌ای به توبه و بسته‌شدن قریب‌الوقوع در فیض مطرح شده‌اند.

با صدای بلند فریاد بزن، دریغ مکن؛ صدایت را چون شیپور بلند کن، و به قوم من تقصیرشان و به خاندان یعقوب گناهانشان را اعلام کن. اشعیا ۱:۵۸.

اشعیا، یوئیل، یوحنا و پطرس همگی نمایندهٔ صد و چهل و چهار هزار روزهای آخر هستند؛ ارمیا نیز چنین است و او مشخص می‌کند چه زمانی باید شیپور نواخته شود.

خداوند چنین می‌فرماید: در راه‌ها بایستید و بنگرید، و راه‌های دیرین را بجوید که راه نیکو کدام است، و در آن گام بردارید تا برای جان‌های شما آرامی بیابید. اما گفتند: در آن راه نخواهیم رفت. همچنین بر شما نگهبانانی گماشتم و گفتم: به آواز شیپور گوش فرا دهید. اما گفتند: گوش فرا نخواهیم داد. ارمیا ۶:۱۶، ۱۷.

در این ایام آخر، در یازدهم سپتامبر، کرنا به صدا درآمد و آنگاه باران پسین بر کسان‌ی که راه نیکو را برگزیدند و در آن گام برداشتند، شروع به باریدن کرد. همان هنگام بود که فرشته مکاشفه هجده فرود آمد.

باران پسین بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و سراسر زمین با جلال او روشن خواهد شد. Review and Herald، ۲۱ آوریل ۱۸۹۱.

وقتی ساختمان‌های عظیم نیویورک در ۱۱ سپتامبر فرو ریختند، فرشتهٔ نیرومند فرود آمد و باران پسین باریدن گرفت.

اکنون چنین گفته می‌شود که من اعلام کرده‌ام نیویورک قرار است با موجی جزرومدی روبه‌رو شود؟ من هرگز چنین نگفته‌ام. من گفته‌ام، هنگامی که به ساختمان‌های عظیمی می‌نگریستم که در آن‌جا طبقه پشت طبقه قد می‌کشند، «چه صحنه‌های هولناکی رخ خواهد داد وقتی خداوند برخیزد تا زمین را سخت بلرزاند! آنگاه سخنان مکاشفه ۱۸:۱-۳ تحقق خواهد یافت.» سراسر فصل هجدهم مکاشفه هشدار است دربارهٔ آنچه بر زمین خواهد آمد. اما دربارهٔ آنچه بر نیویورک

خواهد آمد، نوری خاص ندارم؛ فقط می‌دانم روزی ساختمان‌های عظیم آن‌جا با زیر و رو کردن قدرت خدا به زیر افکنده خواهند شد. از نوری که به من داده شده، می‌دانم که ویرانی در جهان هست. یک کلام از جانب خداوند، یک لمس از قدرت عظیم او، و این بناهای عظیم فرو خواهند ریخت. صحنه‌هایی رخ خواهد داد که هولناکی آن را نمی‌توانیم تصور کنیم. Review and Herald، ۵ ژوئیه ۱۹۰۶.

در ۱۱ سپتامبر، باران متأخر پیش از ریزش کاملش در هنگام قانون روز یکشنبه شروع به نم‌باریدن کرد.

کار عظیم انجیل با جلوه‌ای از قدرت خدا که کمتر از آنچه آغاز آن را مشخص ساخت، پایان نخواهد یافت. نبوت‌هایی که در فرو ریختن باران نخستین در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر در باران پسین در پایان آن تحقق خواهند یافت. این همان «اوقات تجدید قوا» است که رسول پطرس به آن چشم دوخته بود، آنگاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، تا اوقات تجدید قوا از حضور خداوند برسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال رسولان ۱۹: ۳، ۲۰. مناقشه عظیم، ۶۱۱، ۶۱۲.

تحقق کامل "زمان‌های تجدید" زمانی رخ می‌دهد که شما زنده‌اید، زیرا هشدار این است که "توبه کنید"؛ کاری که اگر مرده باشید انجام دادنش ناممکن است. "زمان‌های تجدید" زمانی فرا می‌رسد که "گناهان" نفوس زنده هنوز ممکن است "زدوده شوند". "زمان‌های تجدید" در ۹/۱۱ آغاز شد و بدین‌سان آغاز داوری زندگان را مشخص کرد. پنطیکاست در پایان دوره انجیل تکرار می‌شود. وقتی "زمان‌های تجدید" فرا رسید، وقایعی که در پنطیکاست به صورت نمونه‌وار نشان داده شده بودند، شروع به تکرار شدن کردند.

با اشتیاقی عمیق چشم‌به‌راه زمانی هستم که رویدادهای روز پنطیکاست با قدرتی حتی بیش از آن هنگام تکرار شود. یوحنا می‌گوید: «فرشته‌ای دیگر را دیدم که با قدرتی عظیم از آسمان فرود می‌آمد؛ و زمین از جلال او روشن شد.» آنگاه، همان‌گونه که در موسم پنطیکاست، مردم حقیقتی را که برایشان گفته می‌شود، هر کس به زبان خود خواهند شنید.

«خدا می‌تواند در هر جانی که صادقانه خواهان خدمت به اوست جان تازه بدمد، و لب‌ها را با اخگری افروخته از روی مذبح لمس کند و آنان را در ستایش او فصیح سازد. هزاران صدا از قدرت به زبان آوردن حقایق شگفت‌انگیز کلام خدا سرشار خواهند شد. زبان لکنت‌زده باز خواهد شد، و بیم‌دلان قوی خواهند شد تا به حق شهادتی دلیرانه ادا کنند. خداوند قوم خود را یاری دهد تا هیکل جان را از هر آلودگی تطهیر کنند، و چنان پیوندی نزدیک با او نگاه دارند که چون باران پسین فرو ریخته شود، از آن بهره‌مند شوند.» Review and Herald، ۲۰ ژوئیه ۱۸۸۶.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

و فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت باز آمد و مرا بیدار کرد، چنان‌که کسی از خواب خود بیدار می‌شود، و به من گفت: چه می‌بینی؟ گفتم: نگریسته‌ام، و اینک چراغدانی سراسر از طلا با کاسه‌ای بر فرازش، و هفت چراغ آن بر آن است، و هفت مجرا برای آن هفت چراغ که بر فراز آن‌اند؛ و دو درخت زیتون در کنار آن، یکی در جانب راست کاسه و دیگری در جانب چپ آن.

پس پاسخ دادم و به فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت گفتم: «این‌ها چیست، ای سرورم؟» آنگاه فرشته‌ای که با من سخن می‌گفت پاسخ داد و به من گفت: «آیا نمی‌دانی این‌ها چه هستند؟» و من گفتم: «نه، ای سرورم.»

آنگاه او پاسخ داد و به من گفت: این است کلام خداوند خطاب به زربابل که می‌گوید: نه به زور و نه به قدرت، بلکه به روح من، می‌گوید خداوند لشکرها. زکریا ۱: ۴-۶.